

نویسنده: اندریو کریبکو «Andrew Korybko» .
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2025-12-24» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

استراتژی امنیت ملی ترامپ (NSS) سیگنال‌های متناقضی به هند می‌فرستد

*Trump's National Security Strategy (NSS)
Sends Mixed Signals to India*



بدتر شدن روابط هند و آمریکا در دوره ترامپ دوم، یکی از غیرمنتظره‌ترین نتایج سیاست خارجی دوره دوم ریاست جمهوری او تاکنون بوده است که این تحلیل در اینجا استدلال می‌کند که به دلیل تمایل او به مجازات هند به دلیل امتناع از تسلیم شدن در برابر ایالات متحده است.

روابط پاکستان و آمریکا با وجود مشکلات بسیار در دوره زمامداری اول ترامپ به طور معکوس تقویت شده است، به طوری که صحبت‌هایی در مورد اعطای یک بندر

تجاری به ایالات متحده توسط پاکستان برای استقرار مجدد حضور منطقه ای آن مطرح شده است که می‌تواند اهداف نظامی دوگانه داشته باشد.

این پیشینه توضیح می‌دهد که چرا استراتژی امنیت ملی جدید (NSS) ترامپ در دوره دوم برای ناظران آسیای جنوبی چنین غافلگیرکننده بود. پاکستان تنها یک بار و فقط در چارچوب لاف جنجالی ترامپ مبنی بر ایجاد آتش بس بین این کشور و هند ذکر شده است، اگرچه پاکستان تا این لحظه محور سیاست منطقه‌ای این دولت دوم بوده است. با این حال، هند سه بار دیگر در این سند ذکر شده است که مورد بعدی مربوط به چهارگانه است.

به گفته آنها، «ما باید به بهبود روابط تجاری (و سایر روابط) با هند ادامه دهیم تا دهلی نور را به مشارکت در امنیت هند و اقیانوسیه، از جمله از طریق همکاری چهارجانبه مداوم با استرالیا، ژاپن و ایالات متحده ("کوآد") تشویق کنیم.» سپس آنها پیشنهاد دادند که «آمریکا باید به طور مشابه متحدان و شرکای اروپایی و آسیایی خود، از جمله هند، را برای تحکیم و بهبود مواضع مشترک خود در نیمکره غربی و در رابطه با مواد معدنی حیاتی در آفریقا، جذب کند.»

در ارتباط با این موضوع، «ما باید ائتلاف‌هایی تشکیل دهیم که از مزایای نسبی ما در امور مالی و فناوری برای ایجاد بازارهای صادراتی با کشورهای همکار استفاده کنند. شرکای اقتصادی آمریکا دیگر نباید انتظار داشته باشند که از طریق ظرفیت بیش از حد و عدم تعادل ساختاری از ایالات متحده درآمد کسب کنند، بلکه باید از طریق همکاری مدیریت شده مرتبط با همسویی استراتژیک و با دریافت سرمایه‌گذاری بلندمدت ایالات متحده، رشد را دنبال کنند.»

این را می‌توان به عنوان کنایه‌ای به شیوه‌های تجاری به اصطلاح "ناعادلانه" هند تعبیر کرد.

آخرین اشاره در مورد «بازنگه داشتن خطوط [دریای چین جنوبی]، بدون «عوارض» و عدم انسداد خودسرانه توسط یک کشور بود. این امر نه تنها مستلزم سرمایه‌گذاری بیشتر در قابلیت‌های نظامی ما - به ویژه نیروی دریایی - است، بلکه همکاری قوی با هر کشوری که در صورت عدم رسیدگی به این مشکل، از هند گرفته تا ژاپن و فراتر از آن، در معرض آسیب قرار می‌گیرد را نیز می‌طلبد.» به عبارت دیگر، با تکیه بر اشاره دوم مربوط به طرح چهارجانبه، ایالات متحده می‌خواهد هند نقش نظامی فعال‌تری در دریای چین جنوبی ایفا کند.

با کنار هم قرار دادن همه اینها، NSS ایالات متحده سیگنال‌های متناقضی را به هند ارسال می‌کند. از یک سو، حذف آشکار پاکستان به جز در زمینه لاف زدن ترامپ در مورد میانجیگری آتش بس بهار، باید هند را خوشحال کند، مشروط بر اینکه معتقد باشد این امر نشان‌دهنده یک بازنگری در سیاست است. از سوی دیگر، ظاهراً این امر مشروط به

افزایش همکاری هند با طرح چهارجانبه، همکاری با ایالات متحده در معاملات معدنی آفریقا، باز کردن بازارهای خود به روی صادرات بیشتر ایالات متحده و مهار چین در دریای چین جنوبی است. پروژه‌های مشترک در کشورهای ثالث امکان‌پذیر است، همانطور که کاهش تعرفه‌های واردات ایالات متحده توسط هند نیز امکان‌پذیر است، اما نقش گروه چهارگانه تحت الشعاع AUKUS (و گسترش غیررسمی AUKUS+ مانند ناتو) قرار گرفته است، در حالی که نزدیکی اولیه چین و هند، هند را نسبت به مهار چین در خارج از آسیای جنوبی بی‌میل می‌کند. اگر ایالات متحده به دنبال بهبود روابط با هند باشد، به ویژه اگر از هند بخواهد که چین را در دریای چین جنوبی مهار کند، احتمالاً هند این پیشنهاد را رد خواهد کرد تا از تبدیل شدن به نماینده ایالات متحده جلوگیری کند.*

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

ندرو کوریبکو، تحلیلگر سیاسی آمریکایی ساکن مسکو، متخصص در روابط بین استراتژی ایالات متحده در آفریقا-اوراسیا، چشم‌انداز جهانی «یک کمربند، یک جاده» چین در مورد اتصال جاده ابریشم جدید و جنگ ترکیبی است. او مرتباً در نشریه «گلوبال ریسرچ» مطلب می‌نویسد.

----- با تقدیم احترامات «2025-12-27»

